

رؤیا چرا امید را تنها گذاشت؟

زیباترین عاشقانه ایرانی ۱۵ سال بعد از شلیک تلخ



هیچ پیوندی با هیچ درناپی که برای خروج او از تنهایی با هزار ترفند از سوی حافظان محیط زیست آورده می شد، برقرار نمی کرد. پایند به عشق «آرزو» مانده بود تا اینکه «رؤیا» آمد.

شکل گرفت. بعد از پنج روز گام‌هایشان به سوی هم حرکت کرد و آن رقصی شکل گرفت که نشان از پیوند بود.

امید چون معلم به رؤیا زندگی کردن را می‌آموخت

مجتبی علیزاده می گوید، سال گذشته امید ۱۳۰ روز در ایران بود اما رؤیا تنها ۳۰ روز آخر به فریدونکنار آورده شد و آن پیوند شکل گرفت.

او رابطه امید و رؤیا را وصف‌نشدنی و توصیف ناپذیر عنوان کرد و گفت: صحنه‌هایی که از ارتباط این دو در ذهن و جان من ثبت شده تکرارناپذیر است زیرا من با چشمان خود شاهد بودم که امید تمام تلاش خود را برای اینکه به رؤیا بیاموزد چگونه باید در طبیعت زنده بماند، انجام داد. رؤیا یک درنا ی پرورشی بود و از زیست در طبیعت هیچ نمی دانست. امید ۳۰۰ روز را تلاش کرد که چون آموزگار،

زندگی در طبیعت را به او بیاموزد. علیزاده گفت: رؤیا وقتی به فریدونکنار آمد ۵ روز طول کشید تا با منطقه آشنا شود. او ارتباط یکی دو روز اولی را که امید و رؤیا در کنار هم بودند غیردوستانه دانست اما ارتباط آنها را از روزهای بعد مناسب عنوان کرد که در نهایت به یک عاشقی تبدیل شد.

امید در ۳۰ روز به رؤیا آموخت چگونه باید در تالاب غذا بیابد تا زنده بماند. امید به رؤیا یاد داد چگونه در بالای تالاب گشت بزند و از خود مراقبت کند. امید به رؤیا زندگی کردن را آموخت تا روزی که باید کوچ به سمت سیبری آغاز می شد. کنار هم وسط تالاب ایستادند. علیزاده در ادامه گفت: نگاه ما به سوی آن دو میخکوب شده بود. لحظه مهم فورا رسیده بود. امید و رؤیا با هم پرواز کردند و ما اشک شوق ریختیم. امید دیگر نتوانی را کنار زده بود. ما بعد از همراهی

آبدین رزاقی / آن روز مه گرفته، کمی از «رؤیا» دور شده بود. فاصله آنقدر بود که صدای شلیک را نشنود. شلیکی که قاتل عشق «امید» شد. این چند خط، خلاصه ای از آغاز تنهایی ۱۵ ساله زندگی تک درنا ی سیبری است؛ درناپی تنها که نام «امید» دارد و داستان او به روایتی عاشقانه در فریدون کنار در شمال ایران تبدیل شده است.

به گزارش خبرنگار روزنامه ایران، داستان یکی از ساکنان این سرزمین شالوده‌ای از درد و عشق است. امید «تک درنا ی سیبری» تنها بازمانده یکی از قدیمی ترین کوچ روان به فلات ایران است.

تیمارگر او در سال‌های اخیر طبیعت‌بان شایسته وطن «مجتبی علیزاده» است. او از تجربیات چند سال اخیر خود در پذیرایی از تنها بازمانده ما «امید» به خبرنگار «ایران» گفت.

علیزاده فریدونکنار را مأمونی امن برای درناها می داند و می گوید: «امید از اول تنها نبود. در ۴۰ سال گذشته جمعیت همراهان «امید» ۱۳ درنا بود ولی به مرور همه از دست رفتند که هر اتفاقی برای ۱۲ مورد دیگر جز «آرزو» رخ داده خارج از فریدونکنار بوده است. او مردمان این منطقه را دوستداران این مسافران کوچ‌رو عنوان کرد و از پذیرایی گرم مردم این منطقه از مسافران پروازی از عرض‌های شمالی گفت.»

رقصی عاشقانه بعد از ۱۵ سال

بعد از کشته شدن «آرزو»، وقتی امید به محلی که آرزو را ترک کرده و دور شده بود برگشت، او را ندید، حتی جنازه او را ندید. قاتلان آرزو، او را برده بودند. امید، آن سال، روزهای زیادی در پی گمشده‌های گشت اما او را نیافت. وقت کوچ فرا رسید و همچنان امید در جست‌وجوی آرزو به هر سو، می گشت. آشفنگی آن روزهای امید، غم‌انگیزترین تصویری بود که محیط‌بانان در آن روزها، مشاهده می کردند و راهی برای گشتن حقیقت به او نداشتند. خلاصه برای امید چاره‌ای جز کوچ نماند و تنها به سمت سیبری رفت. از آن سال که ۱۵ سال می گذرد، قوه عاشقانه امید به روایتی محلی تبدیل شد. امیدي که هر سال تنها می آید، تنها می رود و

پرونده خیانت مرد کارخانه‌دار

تهرانی در دادگاه خانواده

ناهید پروی / خیانت مرد کارخانه دار به همسرش باعث شد تا پای وی به دادگاه خانواده باز شود.

چندی پیش مرد کارخانه‌داری با موهای جو گندمی درحالی که آشفته و پریشان بود به شعبه ۲۳۶ دادگاه خانواده تهران مراجعه کرد و دادخواست طلاق داد. این مرد که کارخانه دار است وقتی پوی قاضی پرونده ایستاد آهی و کشید و گفت: ۲۷ سال پیش به همراه والدینم به خواستگاری همسر رفقتم پس از اعلام موافقت خانواده همسر زندگی در زیر یک سقف را شروع کردیم. آن زمان تعمیرکار خودرو بودم. شبانه‌روزی برای آسایش و رفاه زندگی همسرم تلاش فراوان کردم تا جایی که صاحب کارخانه شدم.

آقای قاضی سلم‌ها از زندگی مشترکمان می‌گذرد و با وجود اینکه ۳ فرزند بزرگ داریم، همسرم متأسفانه دهن بین است ومدت‌هاست بنای ناسازگاری گذاشته طوری که به ستوه آمده‌ام و حاضر نیستم دیگر با وی ادامه زندگی بدهم. این درحالی است که تمام امکانات رفاهی را برای او و فرزندانم فراهم کرده‌ام و در زندگی هیچ کم و کاستی ندارند.

به دنبال اظهارات مرد کارخانه دار، قاضی احمدی وی را به

سعه صدر دعوت کرد و گفت زندگی فراز و نشیب‌های زیادی دارد وپایید با دشواری‌های آن دست و پنجه نرم کنید و از مرد ثروتمند خواست که از طلاق منصرف شود. این در حالی بود که همسر این مرد که به همراه دخترشان در دادگاه حضور داشت ، به قاضی گفت:بمن در یک خانواده سستی بزرگ شده بودم بدون هیچ تحقیق و شناختی ۲۷ سال پیش با مهربه اندکی به عقد داربوش در آمدم...

زمانی که من باهمسرم پیوند زناشویی بستیم وی آهی در سبط نداشت. تلاش من در زندگی باعث شد که همسرم صاحب کارخانه آب معدنی ، سفره خانه و نمایشگاه خودرو باشد.او درحالی که اشک می‌ریخت ادامه داد: آقای قاضی با نداری همسر سال‌ها ساختم و سختی های زندگی را تحمل کردم به امید فردایی بهتر اما همسرم وقتی به استقلال مالی رسید همه چیز را فراموش کرد و به من خیانت کرد. حالا که بیمار و درمانده شده‌ام حاضر به ادامه زندگی با من نیستم.

مدتی پیش تلفن همراه همسرم زنگ خورد در نبود وی من گوشی را برداشتم وان‌سوی خط خام جوانی ابتدا در گوشی را من برداشتم سکوت کرد وثانیه‌های بعد خودش را همکار همسرم معرفی کرد. خلاصه گذشت

رازگشایی از انفجار مرگبار جنوب تهران با استوری اینستاگرامی

راز انفجار مرگبار بمب در پژویارس یا یک استوری اینستاگرامی و ادله دیگر برای بازپرس جنایی فاش شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۱۲ بهمن ماه سال گذشته مرد جوانی به نام حسام در جریان انفجار ماشین اش در کیهانت شهر در حالی که در خودرو بود به کام مرگ فرورفت و با توجه به اینکه انفجار خودرو یا کار گذاشتن تی ان تی دست‌ساز عمدی تشخیص داده شد، رسیدگی به موضوع در دستور کار بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران قرار گرفت.

در همان بررسی‌های ابتدایی مشخص شد که حسام به همراه رفیق اش به نام مراد به اتهام قتل مردی به نام علی در روستای چمچورد ایلام با‌داشت شده بودند.

ماجرای قتل علی از این قرار بود که پسرعلی رقیب عشقی مراد بود. نامزد سابق مراد قرار بود با پسرعلی ازدواج کند و به خاطر همین موضوع بین آنها درگیری رخ داد که در جریان درگیری مسامحانه،علی به قتل رسید. سپس مراد و حسام به اتهام قتل او با‌داشت شدند.

در حالی که رسیدگی به موضوع در دستور کار مأموران قضایی استان ایلام قرار داشت، حسام با قرار وثیقه آزاد شد و فرزندان علی از این موضوع اظهار ناراحتی کرده و حتی اعتراض خود را در قالب یک پتر بر سر دادگستری ایلام آویختند. بعد از قتل حسام، بررسی‌ها حکایت از آن داشت که حسام بارها از سوی فرزندان علی تهدید به مرگ شده بود و آنها گفته بودند اگر متهم به قتل پدمان آزاد شود، او را خواهیم کشت.

در حالی که جی پی ای موقعیت مکانی فرزندان علی را در

قتل هولناک

مرد زندانی با تیزی دست‌ساز در قزلحصار

زندانی متهم به قاچاق مواد مخدر به دنبال درگیری بر سر یک مشت حرف پوچ، هم‌بندی‌اش را با یک تیزی دست‌ساز به قتل رساند.

به گزارش اختصاصی خبرنگار «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ۱۳فروردین امسال به دنبال درگیری خونین در یکی از بندهای ندامتگاه قزلحصار کرخ شروع شد.

در پی سروصدای زندانیان در یکی از بندهای زندان خیلی زود مأمورین زندان برای بررسی ماجرا به بند درگیری آمدند و با پیکر خونین مرد ۳۷ ساله‌ای روبه‌رو شدند که در اثر تیزی بشدت زخمی شده بود. به‌رغم تلاش پزشک زندان و انتقال زندانی مجروح به بیمارستان، وی در دم جان باخت.

با مرگ وی ، ملک‌زاده بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی کرخ خودش را به صحنه جنایت رساند و سپس دستور داد جسد زندانی فوت شده به پزشکی قانونی منتقل شود.

عامل جنایت که یکی از هم‌بندی‌های مقتول است خیلی زود به اتهام قتل عمد با‌داشت شد و برای بازجویی در اختیار کارآگاهان جنایی استان البرز قرار گرفت.

این متهم ۳۲ساله که پیش از این به جرم حمل مواد مخدر به زندان محکوم شده بود این بار نیز به اتهام قتل با‌داشت شد و در بازجویی‌های اولیه ضمن اعتراف به قتلی که مرتکب شده بود درباره انگیزه‌اش مدعی شد به خاطر متلک‌پرانی و حرف‌های نامربوط مقتول بود که با هم درگیر شدیم و به دنبال اختلافی هم که از قبل داشتیم، با یک تیزی که خودم پیش از این درست کرده بودم ضربه‌ای را او زدم تا او را بترسانم. بنابراین گزارش، تحقیقات تکمیلی از متهم ادامه دارد تا پس از صدور کیفرخواست، پرونده برای صدور حکم به دادگاه ارجاع شود.

اخبار کوتاه



راز خونین باغ زیر شکوفه های بهاری

کشف جسد مرد باغبان زیر درختان تازه شکوفه زده پرده از راز شوم برداشت.

سرهنگ سواری پور رئیس پلیس آگاهی غرب استان تهران در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار «ایران» در تشریح وقوع نخستین جنایت در غرب استان تهران گفت: ششم فروردین امسال در پی اطلاع یافتن پلیس از مرگ مردی جوان در یک باغ ویلای بزرگ، تیمی از کارآگاهان جنایی به این باغ ویلا رفتند و با جسد مرد جوانی به نام حمید که در باغ دفن شده بود روبه‌رو شدند.

بازپرس کشیک قتل طولی نکشید که خودش را به صحنه جنایت رساند و در نخستین گام دستور داد پیکر مرد جوان به پزشکی قانونی منتقل شود. معاینه اولیه جسد نشان می‌داد حمید در اثر اصابت ۱۶ ضربه چاقو به قتل رسیده است.

تعمیم ۲۶ ساله که یکی از دوستان حمید بود در تحقیقات میدانی به کارآگاهان گفت: مدتی می‌شد که از حمید خبری نبود و آخرین بار می‌دانستم که او در باغی که کار می‌کرد حضور داشت چند روز بود که این موضوع ذهنم را مشغول کرده بود تا اینکه هنگام تردد در باغ اطراف ویلا متوجه شدم زمین اطراف درختانی که تازه شکوفه زده بودند به طرز مشکوکی زبرپور شده وقتی با یک بیل آنجا را کندم با پاهای حمید روبه‌رو شدم از ترس بیل از دستانم روی زمین افتاد و از باغ فرار کردم و با پلیس تماس گرفتم.

کارآگاهان در ادامه تحقیقات از سرایدار باغ به‌نام فرهاد بازجویی کردند اما او متوجه همه چیز بود و اظهار بی‌اطلاعی کرد. اما ماجرا به همین جا ختم نشد و در ادامه تحقیقات فنی و علمی کارآگاهان دایره مبارزه با جرایم جنایی توانستند سرخ‌خون‌های تازه‌ای را کشف کنند.

با بررسی‌های بیشتر و ادامه بازجویی سرانجام فرهاد لب به اعتراف گشود و پرده از راز جنایت برداشت. این متهم مدعی شد که برسر خرید روزانه با حمید درگیر شده و بعد از اینکه دست به یقه شدند او را با ضربات چاقوی آشپزخانه به قتل رسانده است.

فرهاد در بازجویی گفت: وقتی به خودآمدم دیدم که همه جا را خون برداشته است و همه لباس‌هایم خونی است مطمئن بودم که بزودی دوست دیگرمان که در باغ رفت و آمد داشت به آنجا نمی‌آید، بنابراین جسد را از نزدیک ویلا به اطراف باغ کشاندم و با کندن زمین جسد را دفن کردم.

به دنبال اعتراف‌های تک‌اندنه فرهاد بود که وی پس از ۴۸ ساعت سرانجام به اتهام قتل عمد با‌داشت شد. به دستور بازپرس این متهم جوان به زندان منتقل شده و بزودی در صف محاکمه قرار خواهد گرفت.



کشف جسد یک مرد در ارتفاعات دربند

پسر جوان که به دربند رفته بود به طرز مشکوکی جان باخت . عصر روز جمعه پلیس کوهستان گزارش کشف جسد مرد ۳۰ ساله‌ای در ارتفاعات دربند را به وحید ناصری بازپرس کشیک قتل پایتخت مخابره کرد. مقداری از صورت جانباخته به دلیل صورت‌ترش روی خاک افتاده بود از بین رفته بود و این نشان می‌داد که مدتی از مرگ این مرد جوان می گذشت. او کفش پیاده‌روی ساده‌ای به پا داشت و کوله پشتی‌ای همراهش بود که نشان می‌داد برای کوهنوردی به ارتفاعات رفته اما احتمالاً کوهنورد حرفه‌ای نبوده است. فرضیه اول برای مرگ این جوان این است که او بر اثر لغزندگی سطح برفی کوهستان سر خورده و به کام مرگ فرو رفته است. جسد او در جایی صعب‌العبور افتاده بود که انتقال آن به پایین حدود ۸ ساعت طول کشید. همچنین بررسی مدارکی که در کوله پشتی او بود نشان می‌داد که متوفی اهل شهر قسا بوده است. تحقیقات برای رازگشایی از مرگ این جوان در دستور کار جنایی قرار دارد.



خودکشی دختر بچه ۱۲ ساله

در محله بیسیم تهران

دختر بچه ۱۲ ساله‌ای در تهران خودکشی کرد. رسیدگی به پرونده خودکشی دختر بچه ۱۲ ساله افغان در خانه‌شان واقع در محله بیسیم تهران روز پنجشنبه در دستور کار محمد مهدی براه بازپرس کشیک قتل تهران قرار گرفت. بررسی‌های ابتدایی نشان می‌داد که اختلاف این دختر نوجوان با نامادری خود سبب شده بود که مقابل چشمان برادر ۴ ساله‌اش خود را با روسری حلق‌آویز کرده و به کام مرگ فرو رفت.

سرنوشت عجیب

دختر گمشده

در نیراردبیل



دختر بچه ۶ ساله که گم شده بود در نهرآب پیدا شد.

فرمانده انتظامی شهرستان «نیر» گفت: با همت مسئولانه پلیس، دختر بچه ۶ ساله گمشده به آغوش گرم خانواده بازگشت.

سرهنگ «علی‌عبادی» اظهار داشت: مأموران انتظامی شهرستان «نیر» هنگام گشت‌زنی در تفرجگاه کردشکری «بوغلا» مشاهده می‌کنند، یک دختر بچه خردسال داخل نهرآب افتاده و به دلیل خیس شدن لباس و سردی هوا به شدت می‌لرزد. وی افزود: مأموران انتظامی با مشاهده صحنه بلافاصله وارد عمل شده و دختر بچه را از نهرآب نجات داده و با روشن کردن سیستم گرمایشی بخاری خودرو، او را به داخل خودرو هدایت کردند. فرمانده انتظامی شهرستان «نیر» تصریح کرد: مأموران انتظامی، تلاش گسترده خود را برای پیدا کردن خانواده کودک آغاز کردند که خوشبختانه با پیگیری‌های هدفمند و جست‌وجوی ۲ ساعته پلیس در نهایت دختر بچه ۶ ساله صحیح و سالم به آغوش گرم خانواده خود بازگشت.

سرهنگ عبادی با اشاره به همت مسئولانه، دلسوز و اقدام خدابسنانه پلیس در بازگرداندن دختر بچه به آغوش گرم خانواده، گفت: خانواده کودک خردسال از عملکرد خدابسنانه پلیس قدردانی کردند.

فرمانده انتظامی شهرستان نیر در پایان به والدین توصیه کرد: هنگامی که با کودکان خردسال خود در محیط خارج از منزل و اماکن شلوغ بسر می‌برند، هرگز از آنها غفلت نکرده و همچنین به کودک خود قبل از نمایش داده بودن و زیر آن هم نوشته بود که به همین راحتی می‌توان آدم کشت! با صدور کیفرخواست این پرونده، شમાرش معکوس برای محاکمه متهمان در دادگاه کیفری یک استان تهران آغاز شده است.